توانمندسازی زنان روستای «طلحه» با یک هنر دستی برگرفته از برگ و بار نخل ها

با حصیر هم می‌شود زندگی بافت

یوسف حیدری
گزارش نویس

۱۰ سال بیشتر نداشت که برای ادامه تحصیل مجبور شد روستا را ترک کند. زندگی در خوابگاه و کنار دانش‌آموزانی که هرکدام از روستایی آمده بودند برایش تجربه جدیدی بود. دلتنگ زادگاهش می‌شد و دوست داشت هر روز از زیبایی آنجا برای همکلاسی‌ها بگوید. از هنر زنان روستا در حصیربافی و خرمایی که شهرت جهانی دارد. با پایان تحصیل در کسوت معلم تصمیم گرفت برای زنان هنرمند روستا کاری کند و هنرشان را که در کنج خانه‌ها و دور از چشم‌ها پنهان شده بود به همه دنیا نشان دهد. حالا خیلی‌ها روستای «طلحه» بوشهر را می‌شناسند. جایی که زندگی زنان سرپرست خانوار روستا با هنر حصیربافی دگرگون شد و دیگر از همه جای ایران و برخی کشورهای جهان مشتری این هنر هستند. در این روزها که کرونا کار و بار خیلی‌ها را از سکه انداخته زنان این روستا با کمک خانم معلم همچنان سرشان شلوغ است و برگ‌های «پیش دل» درخت خرما را به هم گره می‌زنند و سفره، سینی، دیوار کوب و کیف و زنبیل حصیری می‌بافند.

«رؤیای کودکی‌ام این بود که همه مردم ایران در خانه‌هایشان درخت نخل داشته باشند اما وقتی بزرگ‌تر شدم فهمیدم نخل هدیه‌ای است که خدا به مردم جنوب ایران داده. درختی که علاوه بر میوه، برگ‌هایش هم با دستان هنرمند زنان این خطه به حصیرهای چشم‌نوازی تبدیل می‌شود.»

فرشته رحیمی معلمی است که با معرفی حصیربافی زنان طلحه باعث شهرت جهانی این هنر و زادگاهش شد. می‌گوید چند سالی است که مهاجرت از روستا به شهر متوقف شده و آنهایی هم که به شهر رفته‌اند با آموختن حصیربافی در خانه کار می‌کنند و هر روز سفارش کار بیشتر می‌شود: «روستای ما نزدیک به ۴ هزار نفر جمعیت دارد و اهالی آن هم به کشاورزی، نخل داری و دامداری مشغول هستند. ۱۱ سالگی وقتی برای ادامه تحصیل به شهر آمدم و وارد خوابگاه شدم، با وجود اینکه تا روستا ۲ ساعت فاصله داشتم اما دلم برای زادگاهم پر می‌کشید و دلم برای نخلستان و حصیربافی که پدربزرگ و عمه‌ام می‌بافتند تنگ می‌شد. همیشه از روستا و اهالی‌اش برای همکلاسی‌هایم تعریف می‌کردم و از بچه‌ها می‌خواستم به روستای ما سر بزنند. از همان روزها دوست داشتم برای زادگاهم کاری کنم.»

زنان روستا در کنار خانه‌داری و تر و خشک کردن فرزندان پا به پای مردان در نخلستان‌ها کار می‌کنند. در کنار این‌ها هنرهای دستی زیادی ازجمله حصیربافی را از مادرشان می‌آموزند. هنری که رحیمی تلاش کرد با همان، روستا را از انزوا درآورد: «وقتی برای زندگی به شهر آمدم همیشه از پدربزرگ و عمه‌ام می‌خواستم با برگ نخل برای من سفره و زیرانداز و زنبیل ببافند. عمویم می‌گفت این‌ها قدیمی شده و امروز همه از سفره‌های یک بار مصرف استفاده می‌کنند. اما من دوست داشتم هنر زنان روستای خودم در خانه‌ام باشد. تا اینکه به این فکر افتادم عکس‌هایی از حصیربافی زنان روستا را در صفحه مجازی‌ام به اشتراک بگذارم که بسرعت مورد استقبال قرار گرفت. باور نمی‌کردم مردم تا این اندازه عاشق این هنر باشند. کار به اینجا رسید که خیلی‌ها پیغام دادند و گفتند دوست دارند این محصولات را بخرند و در خانه داشته باشند.

آن موقع احساس کردم می‌توانم برای زنان روستا کارآفرینی کنم. برای پیدا کردن حصیرباف‌های قدیمی به روستا رفتم و ۱۵ نفر از زنان بافنده را پیدا کردم. از آنها خواستم تند تند ببافند و من هم محصولات‌شان را در فضای مجازی بفروشم. در ادامه کار هم رنگ را وارد حصیربافی کردیم و با رنگ‌های ارگانیک و معدنی حصیرهای رنگی زیبایی خلق شد. در کنار حصیربافی محصولاتی مثل خرما، خارک، رطب و گرده نخل را هم در فضای مجازی معرفی کردم. این محصولات و هنر حصیربافی زنان روستا خیلی مورد توجه قرار گرفت و حتی از هلند و ترکیه سفارش خرید رسید.»

> شهربانو هم یکی از قدیمی‌های هنر حصیربافی روستای طلحه است و از اینکه می‌تواند مستقل باشد و درآمدی کسب کند خوشحال است. او آخر هفته‌ها چشم انتظار خانم معلم می‌ماند تا سفارش‌هایش را تحویل دهد و بافتن سفارش‌های جدید را شروع کند. شهربانو هنوز هم باور نمی‌کند هنر دست او و دیگر زنان روستا تا این اندازه مورد توجه مردم قرار گرفته و فراتر از مرزهای کشور رفته باشد

خیلی از زنان حصیرباف که سرپرست خانوار هستند این روزها زندگی راحت‌تری دارند. جوان‌ترها انگیزه پیدا کرده‌اند تا این هنر را جدی‌تر از مادران‌شان بیاموزند و کسب و کارشان روز به روز رونق بیشتری می‌گیرد. روستاهای همجوار هم یکی یکی دارند وارد این بازار بزرگ می‌شوند و خیلی‌های‌شان به فکر افتاده‌اند تا هنر و مزیت‌های خاص خودشان را کشف و عرضه کنند. رحیمی می‌گوید: «چند وقت پیش به یکی از روستاهای تبریز رفته بودم روی دیوار یکی از خانه‌ها دیوارکوب حصیری دیدم که کار دست زنان روستای ما بود. از اینکه هنر دست زنان زادگاهم را اینجا و در این گوشه کشور می‌دیدم حس خوبی داشتم. همه ما بدون هیچ سرمایه‌ای این کار را شروع کردیم و حالا خوشحالم که زنان روستا براحتی زندگی‌شان را با حصیربافی اداره می‌کنند. روستاهای استان بوشهر ظرفیت زیادی در حصیربافی دارند و با این اتفاق خیلی از بافنده‌های جنوبی که کارشان از رونق افتاده بود دوباره مشغول به کار شده‌اند. باید شرایط بهتری فراهم شود تا این هنر توسط نسل قدیم به نسل جدید آموزش داده شود.»

صفا ۵۳ ساله است و با لهجه شیرین بوشهری از پدرش می‌گوید که حصیربافی را به او آموخت. هنری که امروز با آن نان آور خانه‌اش شده است: «از همان کودکی حصیربافی را از پدرم یاد گرفتم. قدیم‌ها دخترها باید حصیربافی یاد می‌گرفتند و برای خودشان سفره و سینی و زنبیل می‌بافتند. تا قبل از اینکه با خانم معلم آشنا شوم برای خودم چیزهایی می‌بافتم تا اینکه پیشنهاد داد برای کسانی که دوست دارند حصیر ببافیم و بفروشیم. از برگ‌هایی که در قسمت‌های خاصی از نخل رشد می‌کند و به آن پیش دل و بَر دل می‌گویند برای حصیربافی استفاده می‌کنیم. این برگ‌ها را نباید از درخت چید چون خودش سر موعد از درخت می‌افتد.»

او می‌گوید که چهار فرزند دارد و پسر بزرگش هم بعد از گرفتن دیپلم و خدمت سربازی هنوز بیکار است: «تنها درآمد ما با همین حصیربافی است. یک سفره یک متری یک روزه می‌بافم و خدا را شکر زندگی می‌گذرد. البته چشمانم ضعیف شده و مثل گذشته نمی‌توانم کار کنم اما سعی می‌کنم هر طور شده سفارش‌های خانم معلم را آماده کنم.»

شهربانو هم یکی از قدیمی‌های هنر حصیربافی روستای طلحه است و از اینکه می‌تواند مستقل باشد و درآمدی کسب کند خوشحال است. او آخر هفته‌ها چشم انتظار خانم معلم می‌ماند تا سفارش‌هایش را تحویل دهد و بافتن سفارش‌های جدید را شروع کند. شهربانو هنوز هم باور نمی‌کند هنر دست او و دیگر زنان روستا تا این اندازه مورد توجه مردم قرار گرفته و فراتر از مرزهای کشور رفته باشد: «من حصیربافی را از مادرم آموختم. کنارش می‌نشستم و گره زدن حصیرها را تماشا می‌کردم. بعد از ازدواج لوازمی را که می‌شد با حصیر درست کرد، خودم می‌بافتم.»

او سه دختر و دو پسر دارد و حالا حسابی دست و بالش باز شده و می‌تواند هزینه‌های خانه را رتق و فتق کند: «هفته‌ای چهار تا سفره و زیرانداز و کلاه می‌بافم. آخر هفته هم که خانم معلم برای بردن سفارش‌ها می‌آید، پول فروش محصولات را به ما می‌دهد. باور کنید زنان روستایی همه هنرمند هستند ولی شرایط برای اینکه همه بتوانند هنرشان را نشان دهند فراهم نیست. خانم معلم ما با کاری که می‌کند، زندگی خیلی از زنان روستا را متحول کرده و خیلی‌ها به زندگی امیدوار شده‌اند.»

ایران

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۴۳۱

آسان

۸		۶	۲	۳	۴		۵	
			۶		۹			
۹	۷							۴
۵		۱		۹	۸	۲		۶
		۸				۵		
۷		۴	۵	۲		۳		۸
۶							۸	۵
	۸			۴	۲			۳
			۷		۶			

متوسط

۶			۲					
۱		۲		۷	۴			۶
۸					۷	۱		
	۳			۱	۸		۶	
	۶		۳	۲			۸	
	۹	۵						۸
۲			۸	۶		۵		۹
				۹				۱

سخت

	۶		۴	۹				
۵					۸		۹	
۸	۷						۶	۲
					۸		۲	
۶				۴				۷
		۵						
۳	۱						۷	۸
	۸		۶					۵
				۱	۵		۳	

خیلی سخت

	۵			۶			۷	
۲								
		۱	۲				۹	
۵					۳	۴	۲	
			۸		۷			
	۳	۸	۴					۱
	۴				۸	۳		
۶								
	۷			۹			۴	

حل جدول سودوکو شماره ۳۴۳۱

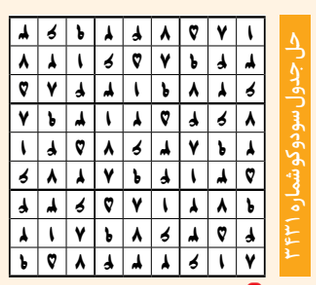
آسان

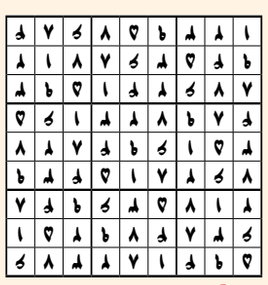
متوسط

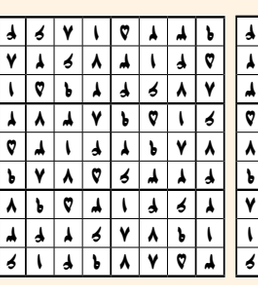
سخت

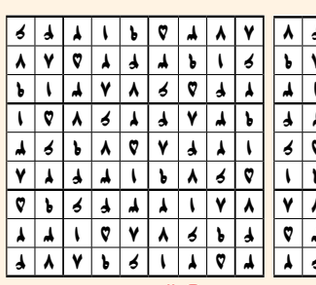
خیلی سخت

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۳۹۷

جدول عادی

◀ افقی:
۱- فیلسوف، ریاضیدان، ستاره شناس و رباعی سرای ایرانی دوره سلجوقی- روحانی زرتشتی
۲- رسم، سنت- درخت خوش قامت زینتی- کوتاه
۳- خواندن قرآن- ماه تمام- افسانه سرا
۴- مادر وطن- استخوان سینه- نشیمن، حجره- بریدن
۵- آوای گریه- شیطان- ضرباهنگ
۶- نمایان- باطل کننده- ماه سرد
۷- پی جوی- برنج خوش پخت- ماده دارویی گرد
۸- هوس باردار- مسابقه حساس پایانی- آگاه
۹- بیابان- بوزینه- همسایه
۱۰- خمره بزرگ- راه رفتن کودک نوپا- تکرار یک فعالیت
۱۱- نویسنده- یواش- یار آشغال!
۱۲- وصله هنری- پدر شعر یونان قبل از میلاد- منقار کوتاه- پل
۱۳- خوراک پرندگان- مرحله‌ای در زراعت- شالوده
۱۴- امان- دیگ سرگشاد- ملاطفت
۱۵- صوت دهن کجی- پدر «روانکاوی»

▼ عمودی:
۱- پایان- پرحرفی
۲- سردسیر- شب پیش از امروز- از غذاهای کودکان
۳- روزگارها- گروه تحقیقاتی- چکمه
۴- فهرست غذا- فریاد بلند- ضمیر داخل- عشوه
۵- نزدیک کردن- صدای درد آلود- شهر «رازی»
۶- حرف انتخاب- شکار- عنوانی برای غذاهایی که سریع طبخ می‌شوند
۷- رهایی از مرض- مدافع تیم «نساجی»- عزا
۸- مورخ «یونانی»- ظرف- بایگانی
۹- وجه وسبب- ماده سیب زمینی- از ضمایر متصل
۱۰- دسر معروف- پیر- عود
۱۱- مرکز ایالت بروتاین فرانسه- یک نوع زرد آلو- گناه کننده
۱۲- نومیدی- تفاله کنجد- خوشگل- لوس
۱۳- نویسنده- شاه شاهان- پشت نویسی اسناد مالی
۱۴- نوعی شعر چند مصراعی- راه فرار- جمع اسم
۱۵- از جاذبه‌های گردشگری «همدان»- شک

جدول ویژه

◀ افقی:
۱- بنای تاریخی «سمنان»- لؤلؤ
۲- مشهور- ضد «پیاده»- فیلم «هنری کاستر»
۳- شهر «پل دختر»- ماج آبدار- ماده‌ای که از درخت بلوط به‌دست می‌آید
۴- هنرپیشه صحنه‌های خطرناک- یار پت!- مدال سوم- سنگ همیشه به پای اوست
۵- کلمه شگفتی- نوعی یخچال با سرمای زیاد- فیلم «امیر حسین ثقفی»
۶- جمع مسکن- راه- من و تو می‌شویم
۷- شهری در «بلغارستان»- لذیذ- لباس اتاق عمل
۸- پاک نژاد- اول- از دین برگشته
۹- عدل- کمد کشودار- پیش گفتار
۱۰- به معنی بگو- پوشاننده- سراسر ندهند
۱۱- ظرف دم کردن چای- بخت برگشتگی- بخار
۱۲- خضاب- دوزن که یک شوهر داشته باشند- خردل صحرایی- حرفه
۱۳- حکومت آلمان نازی- پرنده ای کوچک و خواننده- برق و جلا
۱۴- نوعی از پوشش اسلامی برای زنان- حلقه انگلیسی- خطاب بی ادب
۱۵- پهلوان- کتاب «نیچه»

۶- فلزتمدن- پرش عصبی عضلات- هنرپیشه
۷- رودی در «روسیه»- جزیره میخک- تازه رسیده
۸- راننده کشتی- حق نفی رأی- بهره هوشی
۹- کاشف «آسپرین»- سومین شهر بزرگ اتحادیه اروپا- بلادرنگ
۱۰- مدرسه عالی رشته‌های فنی- پرنده برفی!- شهر ایالت «آلاباما»
۱۱- یک و دو- بازی شوتر آنلاین- اندازه عرض در طول
۱۲- تمام- تکان- معین شده به صورت قانون، فرمان یا قرارداد- زینت ناخن
۱۳- ورزش هیجان انگیز- دانه‌های ریز که در بساک گیاه وجود دارد- یار سالاد
۱۴- فیلم «تهمینه میلانی»- عزا- آبگیر
۱۵- رودی در «کاستاریکا»- پایه گذار «روانکاوی»

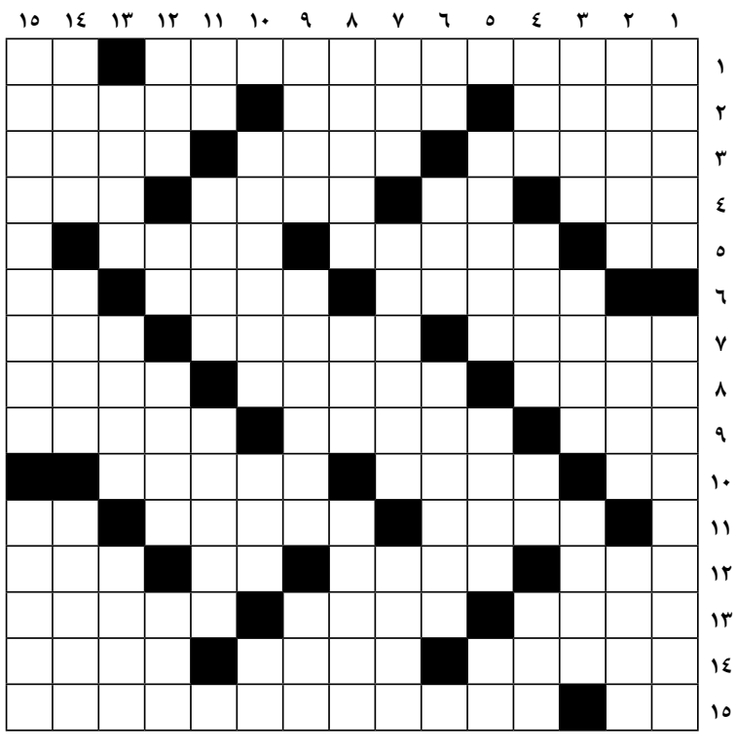

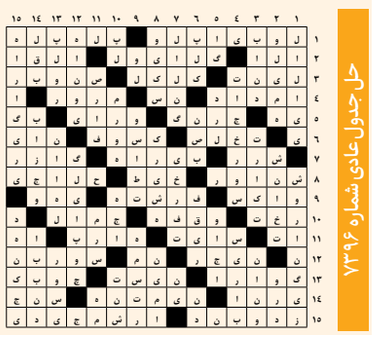
حل جدول عادی شماره ۷۳۹۶

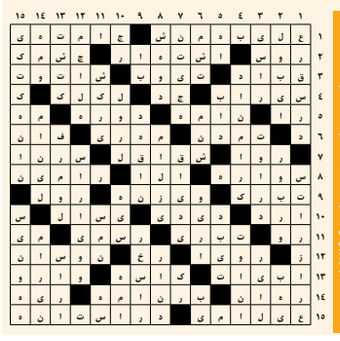
حل جدول ویژه شماره ۷۳۹۶